

تکریم و توجه تیموریان به ائمه علیهم السلام و بازتاب آن در گسترش تشیع امامیه

شهربانودلبری*

چکیده

نحوه تعامل و تفکرات ائمه شیعه علیهم السلام برای نسل ها و تا ابد می تواند الهام بخش باشد. لذا در طول تاریخ آزاداندیشان دوستدار خاندان اهل بیت علیهم السلام توانستند با الهام از دستورات ایشان، منشأ خدماتی برجسته گردند. یکی از دستورات امامان شیعه علیهم السلام به پیروانشان آزاداندیشی بود. تیموریان که از سلسله های حاکم بر ایران بودند از تبار ایرانیان به شمار نمی آمدند. آن ها را باید آزاداندیشانی به حساب آورد که در طول یک قرن و اندی توانستند با ایجاد فضایی بازتر اسباب پیشرفت علمی و فرهنگی و گسترش هنرها و تفکرات از جمله تفکرات شیعی را فراهم کنند. سؤال اصلی این مقاله آن است که آیا این فضای باز، شامل اندیشه های شیعی نیزگشته بود؟ تکریم تیموریان نسبت به ائمه علیهم السلام تا چه اندازه در مهیاساختن زمینه برای استواری مذهب تشیع مؤثر بوده است؟ طی بررسی های پژوهشی مقاله به شیوه توصیفی- تحلیلی درمی یابیم که در عصر تیموریان بزرگداشت و میزان توجه به ائمه شیعه علیهم السلام سیری صعودی یافت که در نهایت به رسمیت یافتن مذهب تشیع و گسترش اعتقادات شیعی در دوره صفویه در ایران کمک شایانی کرد.

واژگان کلیدی: تکریم ائمه؛ سلسله تیموریان؛ آزاداندیشی؛ اندیشه تشیع؛ ایران دوره تیموریان.

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد مشهد

مدارا و تعامل با صاحبان قلم و اندیشه در تاریخ اسلام توسط بزرگانی چون پیامبر ﷺ، حضرت علی ﷺ و سایر ائمه رعایت می‌گردید. البته نوع برخورد، زمام‌داران بستگی به نحوه تفکر و عملکرد آن‌ها داشته و به همین دلیل امویان، عباسیان، فاطمیان، بویه‌یان، سامانیان و غیره هر کدام رفتارهایی متفاوت داشته‌اند. شیعه از جمله مذاهبی بوده که همواره در تاریخ اسلام در اقلیت قرار داشته است، با این وجود شیعیان به حیات علمی و ادبی و فرهنگی خود ادامه دادند. این اقلیت مذهبی در طول سالیانی که پشت سر گذاشت فراز و فرودهای بسیار به خود دید. بدون هیچ گفت‌وگویی بهترین زمان فعالیت‌های شیعیان از جهت گستردگی مکانی و امتداد زمانی را باید از قرن هفتم هجری به بعد بدانیم. یعنی پس از حملات مغولان زمینه از هر حیث برای شیعیان فراهم شد و در نهایت صفویان در ایران، مذهب شیعی را به عنوان مذهب رسمی برگزیدند. اگر گسترش تشیع در ایران را مدیون صفویان بدانیم، بسیار به خطا رفته‌ایم در حالی که بدون شك این امر کاملاً به دوره تیموریان و زمان‌های مقارن برپایی دولت صفوی باز می‌گردد. متأسفانه در نگارش‌های جدید و پژوهش‌های متأخر کمتر به وضعیت تشیع در دوره تیموری پرداخته شده است. با این که این دوره بسیار مهم بوده و در دوران بعدی و تاریخ ایران تأثیر فراوان گذاشته است. تیموریان بر فقه سنت عمل می‌کردند با این وجود، آزادی و فراغ بالی که شیعیان در این عصر داشتند با کمتر عصری قابل مقایسه است. به طور کلی می‌توان گفت هر زمام‌داری برای دوام و بقای خویش سعی در بررسی لایه‌های اجتماع، تفکرات و علایق مردم داشت تا بتواند بهتر و با مدت طولانی‌تری بر آن‌ها حکومت نماید. ضمن آن که در عهد این گونه دولت‌ها هنر و علوم نیز بسیار پیشرفت می‌کرد. دوره تیموری در واقع پیش‌درآمد شیعه‌ی عصر صفوی بود بدین معنا که در گذر جامعه سنی ایران به شیعی‌گری، شناخت و درک این دوران و اوضاع فرهنگی و سیاسی آن از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. در واقع تقریب مذاهب در دوران تیموریان به وجود می‌آید. کتاب *روضه‌الشهداء* حسین واعظی کاشفی، یک نویسنده سنی حنفی، به یکی از مهم‌ترین کتاب‌های شیعیان دوازده امامی تبدیل می‌گردد. در دوره تیموری بسیاری از عقاید اهل سنت در رابطه با اهل بیت کاملاً شیعی بود و آنان به تکریم ائمه در جوه مختلف عنایت داشتند. در این دوره روش‌های گوناگونی توسط شیعیان در گسترش مذهب تشیع به کار گرفته شد؛ هم چون: سلاح تبلیغ و سپر تقیه، ترویج مستقیم، مداحی و منقبت‌خوانی، روضه‌خوانی، روش عرفانی، روش‌های سیاسی. اجرای این فعالیت‌ها در پرتو آزادی و توجه سلسله تیموری به امامان شیعه میسر گشت.

۱. سابقهٔ تشیع در شرق ایران

سابقهٔ تشیع در مناطق شرقی ایران به قرن‌های نخستین هجری بازمی‌گردد که به جنبش‌هایی مانند: قیام یحیی بن زید در این ناحیه به همراهی شیعیان دیگر منجر گشت. (طبری: ۱۳۶۲، ۷/۲۲۸). تا مدت‌ها پس از شهادت یحیی، پسران این نواحی از ایران نام یحیی داشتند. ابوالقاسم بلخی از یاران خاص امام سجاد علیه السلام، ناصر خسرو قبادیانی و ابن سینا که پدرش بلخی بود نمونه‌هایی از گرایش‌های شیعی بزرگان این دیار هستند. (رحمانی ولوی: ۱۳۸۳، ۱/۷۰). و حضور امام رضا علیه السلام و بسیاری از یاران ایشان در این مناطق، بذریعۀ محبت به اهل بیت علیهم السلام را در دل مردم بارور ساخت. گسترش تمایلات شیعی و تساهل مذهبی که در عهد تیموری وجود داشت، در عهد مغولان و قرن هفتم هجری ریشه دارد. به باور برخی صاحب نظران یکی از دلایل قطعی نفوذ تشیع در ایران، ظهور جریان تسنن دوازده امامی در ایران قرن هفتم به بعد است (جعفریان: ۱۳۸۰، ۲/۷۲۹). خاندان‌ها و افراد شیعی بسیاری در اقصی نقاط ایران به فعالیت می‌پرداختند مانند علامه حلی، خواجه نصیرالدین طوسی (مظفری: بی تا، ۲۱۹) به بیانی دیگر می‌توان گفت یکی از دستاوردهای مهم حملات چنگیز را باید برقراری نوعی تساهل و گسترش دامنهٔ اندیشه‌های مختلف به خصوص تشیع دانست. گرایش‌های شیعی در عهد مغول که در ایران و مناطق شرقی رشد بسیار یافت خود بحثی گسترده است که مجال دیگری می‌طلبد.

بنابراین در دورهٔ تیموریان شیعیان نواحی شرقی ایران به‌طور عمده در شهرهای هرات، بلخ، غور، غرجهستان، کابل، بدخشان و مرغاب پراکنده بودند. در دورهٔ معاویه مردم غور و غرجهستان تن به سب علی علیه السلام ندادند و مورد خشم بنی‌امیه قرار گرفتند. اقوام هزاره از نخستین کسانی هستند که در این ناحیه گرایش‌های شیعی داشتند. در دورهٔ تیموری غوریان و اقوام هزاره دوباره به کسب قدرت پرداختند. این امر به گسترش بیشتر شیعه کمک شایانی کرد.

۱-۱. حضور سادات در حکومت تیموری

در نیمهٔ اول قرن اول هجری سادات به مناطق شرقی ایران مهاجرت کردند. در پی آمدن امام رضا علیه السلام این امر شدت بیشتری به خود گرفت. پس از آن هم در دوره‌های بعدی مانند دورهٔ سربداران این روند شدت بیشتری یافت. به‌طور کلی مغولان به سادات احترام بسیار می‌گذاشتند. اسپولر وضعیت شیعیان هنگام ورود مغولان به بغداد را چنین توصیف می‌کند: «وضع شیعیان تا حدی شبیه وضع مسیحیان بود و واقعاً میان این دو جامعه مذهبی روابطی

وجود داشت. از جمله گروهی از مسیحیان بغداد که سخت تحت فشار قرار گرفته بودند، توانستند به خانۀ راضی الدین تائوسی که از اجلهٔ اعقاب حضرت علی علیه السلام بود پناهنده شوند» (اشپولز: ۱۳۷۴، ۲۴۴). در دورۀ تیموریان به سادات احترام وافر می‌گذاشتند. عده‌ای از سادات به امر نقابت مشغول بودند. نقبای سادات رضوی و موسوی در این زمان بیشتر نمایان بودند (خواند میر: ۱۳۶۲، ۴/۳۳۳). شاهرخ سازمانی را به نام نقبا در جهت سازمان دادن به وضعیت سادات در این دوران برپا ساخت. به طور کلی باید گفت ساداتی که از مناطقی چون سبزوار به دیگر نواحی شرق خراسان بزرگ رفته بودند با استفاده از فضایی که تیموریان در اختیار آن‌ها گذاشته بودند، توانستند به تبلیغ شیعه‌گری بپردازند. در میان این سادات، شعرا، ادباء، فقها و دانشمندان بسیاری به چشم می‌خورد. مقبرهٔ «میر سید شیر» م. ۹۳۳ هجری در حدود شهر قندهار که از جملهٔ این سادات به شمار می‌رود، از آن زمان تاکنون محل رفت و آمد و ازدحام‌گروه‌های بسیاری از اهالی آن مناطق بوده است. مهاجرت عالم بزرگ شیعی فخرالدین صفی کاشفی سبزواری به این منطقه و هم‌چنین اثر او *لطائف الطوائف* نیز در گسترش شیعه در این مناطق بسیار تأثیر داشته است (ناصری داوودی: ۱۳۷۸، ۱۶۶). آداب و رسوم شیعی در دورۀ تیموریان توسط سادات دوباره جان تازه‌ای یافت، تا آن‌جا که برخی از این مراسم‌ها برای اولین بار به صورت مکتوب و سازمان یافته مطرح گشت مانند روضه‌خوانی‌های مقتل امام حسین علیه السلام که برای اولین بار شکل گرفت و نگارش‌هایی چون *روضه‌الشهداء* کاشفی نیز در این زمینه بی‌تأثیر نبود. این رسم هم‌چنان باقی مانده است. سلطان حسین بایقرا که مذهب سنی حنفی داشت در مجالس روضه‌خوانی برای امام حسین علیه السلام شرکت می‌جست. در مورد نوعی آزاداندیشی رواج یافته توسط تیموریان در برابر شیعیان و هم‌چنین دربارهٔ مقایسهٔ وضعیت تشیع در دورۀ تیموری با دورۀ صفوی باید مطالبی را در نظر داشت. در دورۀ تیموریان بر خلاف دورۀ صفوی، احادیث شیعی با دقت و ضابطه‌ای بیشتر مورد بررسی قرار می‌گرفت. آزار سنی‌ها و ابراز خشونت که گاه به لعن خلفای سه‌گانه در عهد صفوی می‌انجامید، در دورۀ تیموری به چشم نمی‌خورد. تیموریان از سب شیخین توسط شیعیان نیز جلوگیری به عمل می‌آوردند و گاه حتی به تنبیه هم می‌انجامید (سمرقندی، ۱۳۵۳: ۲/۷۱۶). گاه شیعیان اثنی‌عشری اظهار مخالفت علنی و دشمنی با اهل سنت داشتند. چنان‌که واعظی شیعه مذهب از اهالی قائن به نام سید علی معروف به واحدالعین بر منابر، به تندوی در نقض عقاید سنیان مطالبی می‌گفت که باعث برانگیختن خشم سنیان شد و آنان به سلطان حسین بایقرا شکایت کردند و سلطان نیز

دستور داد تا سید علی را از منبر پایین کشیدند (زمجی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲/۳۲۸). به بیان دیگر روحیهٔ تسامحی که در دورهٔ تیموری وجود دارد آرامش خاطری است برای دانشمندان تا به دور از جنجال‌ها و اضطراب‌ها به بحث و فحص بنشینند؛ نکته‌ای مهم که در عصر صفوی چندان به چشم نمی‌آید. در دورهٔ تیموری احترام و اعزاز علما به صورت اعم صورت می‌گرفت و تنها به گروه یا فرقه یا مذهب خاصی تعلق نداشت. آرامش حاکم بر فضای جامعهٔ اسلامی در عهد تیموری مرهون مراقبت حکام تیموری در ایجاد تفرقه و اغتشاش و بلوا بود. در مشهد و سبزوار شیعیان متعصب و در نیشابور و طوس نیز سنیان متعصب زندگی می‌کردند. آنان در ابراز عقاید خود آزادی داشتند اما هیچ‌یک متعرض دیگری نمی‌شد و حکومت نیز برای هیچ‌یک تعیین تکلیف نمی‌کرد. در این دوره برخی از شهرها که تا آن زمان داعیهٔ سنی‌گری شدید داشتند به اجرای آداب و مراسم‌های شیعی روی آوردند؛ مانند نیشابور که در قرن نهم هجری شیعیان آن کثرت یافتند و این شیعیان در ایام محرم جلسات روضه‌خوانی و وعظ برگزار می‌کردند (خراسانی، بی‌تا: ۴۳۸).

۲. شیعیان و دربار تیموریان

سلسلهٔ تیموریان پس از ایلخانان در سال ۷۷۱ هجری به دست تیمور لنگ بنیان گذاشته شد و تا سال ۹۱۱ هجری که توسط امرای شییبانی منقرض گشت، دوام داشت. پس از تیمور، امرای این سلسله عبارتند از: خلیل سلطان، شاهرخ، بایسنقر میرزا، الغ بیگ، عبداللطیف، عبدالله، سلطان ابوسعید، سلطان حسین بایقرا، سلطان احمد، سلطان محمود و پس از او دورهٔ هرج و مرجی که از ۹۰۰ تا ۹۱۱ هجری زمان انقراض این سلسله عارض دولت تیموری می‌گردد. گورکانیان حنفی مذهب بودند اما با شیعیان بسیار مدارا می‌کردند. با آن‌که در پاره‌ای از امور با شیعیان اختلاف داشتند، ولی سعی می‌کردند تا در امور ایشان دخالت چندانی نداشته باشند و آن‌ها را راضی نگاه دارند. به عقیدهٔ برخی نویسندگان بیشترین پیروان اهل سنت و طریقت‌های صوفیه فقط در شهرها نفوذ داشتند. در حالی که رواج شیعه‌گری بیشتر در روستاها و میان کوچ‌روان شایع بود. این نکته در شدت فعالیت‌های شیعیان عصر تیموری بسیار تأثیر داشته است (آکا: ۱۳۹۰، ۲۶۸). شیعیان نیز بیشتر از همه وقت به فعالیت‌های خود افزوده بودند و سعی در راه‌آبی به دربار داشتند. به تعبیر دیگر در شرق ایران به نوعی مسابقه شیعه‌گری پدید آمده بود. تفکر اعتزالی شیعه در استقبال از علم و اندیشه با بینش دانش‌پژوهانهٔ تیموریان کاملاً هم‌خوانی داشت و در نتیجه در این راستا پیشرفت‌های بسیاری صورت گرفت. جلسات بحث و حتی مشاجرات لفظی میان دو گروه شیعه و

سنی شدت یافت. عبدالواسع باخرزی (نویسنده مقامات جامی) با آن‌که به عالمی شیعی می‌تازد اما به صراحت از امامان اثنی عشری دفاع می‌کند (باخرزی: ۱۳۷۱، ۱۴۸). ابن ابی‌جمهور احسایی که برای زیارت به مشهد آمده بود توسط علمای سنی هرات به مباحثه فرا خوانده شد. در سال ۸۷۸ هجری در مشهد در منزل یکی از سادات رضوی سه جلسه به بحث پرداخت و یک جلسه هم در مدرسه سلطان شاهرخ مباحثه انجام گرفت (شوشتری، ۱۳۵۷: ۱/۵۸۳). فاضل هروی از علمای اهل سنت نیز به نزد او آمد و با او مناظره کرد (همان: ۱/۵۸۹).

در عصر تیموری مباحث دینی رواج بسیار یافت و عده‌ی کسانی که به جامعه‌ی اهل مذهب وارد می‌شدند، فزونی گرفت. بنابراین مساجد، مدارس و خانقاه‌های بسیاری ساخته شد تا به ترویج دین و مذهب و علوم دینی بپردازند. البته در کنار علوم دینی و مذهبی، علمی چون ریاضیات و طب نیز کار می‌شد. در مراکز بسیاری در عهد تیموریان بحث‌ها و تبادل نظر صورت می‌گرفت. (Beatrice Forbes Manz, 1983: 208)

در دوره‌ی تیموری مذهب به عنوان یکی از عوامل ایجاد اختلاف میان درباریان و شاهزادگان و امرای تیموری به کار گرفته می‌شد. دست‌آویزهای عقیدتی در پیروزی و ظهور دسته‌ها و گروه‌های حکومتی با هم بسیار کارساز و قوی بود. به همین دلیل شیخ صفی‌الدین اردبیلی که در پایگاه شافعیان اردبیل حضور داشت دارای گرایش‌های سنی بسیار بود و بدون هیچ تقیه‌ای اعمال مذهبی را خود بر اساس فقه اهل سنت برپا می‌کرد. البته باید توجه داشت در فضای باز مذهبی که توسط تیموریان در ایران پدید آمد عده‌ای مانند صفویان خود را به سادات حسینی منتسب کردند. با این حال به اعتقاد پطروشفسکی بسیاری از شافعی‌مذهبان در دوره‌ی تیموری تقیه می‌کردند و تشیع خود را آشکارا بیان نمی‌داشتند (پطروشفسکی، ۳۸۵۱۳۵۴).

ایلخانان در برخورد‌های مذهبی خود شدیدتر و با تعصب بیشتر رفتار می‌کردند در حالی که تیموریان چنین رویه‌ای نداشتند. تثبیت و استواری پذیرش اعتقادی دین اسلام در دوره‌ی تیموریان به مراتب بیشتر از مغولان اولیه بود زیرا چنگیز و جانشینانش چندان با اسلام میانه‌ای نداشتند و بعدها برخی از آن‌ها مسلمان شده و احکام را رعایت می‌کردند. اما در دوره‌ی تیموری با گذشت زمان بر پایداری اسلام در میان مغولان افزوده گشت. به اعتقاد بسیاری از منابع، «تیمور سلطنت خود را بر رواج و تقویت شریعت محمدی و دین و آیین اسلام بنا نهاد و خواستار رواج این دین بود» (تربتی، ۱۳۴۲: ۳۵۸)، تیمور فقه سنی و تمایلات شیعی را با هم داشت. سه صوفی بزرگ یعنی شیخ شمس‌الدین فاختوری و شیخ زین‌الدین ابو بکر تاییادی و سید برکت بر تیمور تأثیر بسیار

داشتند و او خود را مدیون آن‌ها می‌دانست (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۱۸). به اعتقاد برخی، رفتارهای شیعیان، تیمور و جانشینانش را به انعطاف و مدارا وا داشت. ابن‌عنه کتاب *عمدة الطالب* را که درباره شیعیان و علویان بود، به تیمور اهدا کرد (ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۳: ۳۱۰). با این وجود نویسندگان تاریخ کمبریج معتقد هستند سلسله‌هایی مانند تیموریان علاقه چندان به رعایت و پای‌بندی به مقررات و شریعت اسلام چه به شکل شیعه و سنی نداشتند و تنها در جهت حفظ منافع و قدرت سیاسی و اقتصادی و حکومتی خویش به این امور تظاهر می‌کردند، چنان‌که امیر علیشیر نوایی با آن که علایق شیعه داشت، در جهت حفظ منافع دولت تیموری، سلطان حسین بایقرا را از گسترش بیشتر برای رواج تشیع برحذر داشت (تاریخ تیموریان به روایت کمبریج، ۱۳۷۹).

یکی از اصولی که در رفتار و عمل ائمه شیعه علیهم‌السلام قابل مشاهده است، مهربانی می‌باشد. در زمان حکمرانی امام علی علیه‌السلام ایشان به غیر هم‌کیشان خویش نیز توجه داشتند. نقل شده است آن حضرت به نصرانی فقیر از بیت‌المال دستور رسیدگی داد (عاملی، ۱۴۱۴: ۱۵ / ۶۶) اشاعه و نشر این گونه رفتارها از ائمه توسط علمای شیعه آن عصر قطعاً بر روند تعاملات تیموریان تأثیر می‌گذاشت. با این وجود حاکمان تیموری به محبان اهل بیت علیهم‌السلام در مقایسه با غیرمسلمانان مهربانی بیشتری داشتند. تیمور و جانشینانش با آن که در امر حکومت و امور دولتی با اقتدار رفتار می‌کردند، ولی نسبت به علمای مذهبی و مشایخ و اهل دین مهربان و متواضع بودند. به نقل از خواند میر در کتاب *حبیب‌السیر*، در طی حملات تیمور به ایران در برخی نقاط، شیعیان خود به استقبال تیمور می‌آمدند (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۴۱۹). به اعتقاد پاره‌ای از نویسندگان «احقاق مبنای شرع مبین را بهانه‌ای برای خون‌ریزی و فتوحات خود قرار می‌دادند» (میرجعفری: ۱۳۸۱، ۱۶۳). همین امیر تیمور در فتح هند در حوالی دهلی دستور داد صد هزار هندو را به سادگی سر ببرند. «کار به جایی رسید که مولانای اعظم ناصرالدین عمر که از بندگان و ملازمان آن درگاه است با وجود آن که در عمر خود گوسفندی ذبح نکرده بود، پانزده نفر از آن گبران بر تیغ گذرانید.» (ظفرنامه شامی، ۱۳۶۳: ۱۸۸) تیمور و جانشینانش به تحرکات جنگی خویش عنوان جهاد می‌دادند و از این رو تیمور را «مجدد دین» می‌نامیدند (سمرقندی، همان: ۲/ ۷۳۹). به اعتقاد علمای مذهبی هر صد سال یکی از مجددان دین ظهور می‌کرده که ترتیب آن‌ها از این قرار بود: عمر بن عبدالعزیز، مأمون، المقتدر بالله، عضدالدوله دیلمی، سلطان سنجر، غازان خان، الجایتو و امیر تیمور. (ترتبی: ۱۷۸) تیمور جنگیدن در چین و خطا را برای لشگریانش جهاد در راه خدا می‌دانست (یزدی، ۱۳۳۶: ۲/ ۴۴۷). تیمور و جانشینانش اغلب به علویان و شخصیت حضرت علی علیه‌السلام احترام می‌گذاشتند، هر چند

آن‌ها از این بابت توانستند بر بسیاری از دشمنان خود غالب آیند و شیعیان را نیز راضی نگاه دارند. باید متذکر گشت تیموریان در نزد مسلمانان سنی و غیر آن‌ها از وجهه و جایگاه شرعی برخوردار نبودند بنابراین به روش‌های مختلف سعی در جلب حمایت‌های مردمی برای ابقای حکومت خویش داشتند. در عصر تیموری حمایت‌ها و عدم حمایت‌های فرقه‌های مذهبی و کلامی در عزل و نصب امرا و پادشاهان بسیار موثر بود. سلطان ابو سعید باکمک ابوالخیر خان ازبک و حمایت نقشبندیان بر ماوراء النهر مسلط شد (صفی: ۱۳۳۶، ۵۱۹/۲). بسیاری را اعتقاد بر این است که سلاطین تیموری با درک موقعیت خویش و این‌که از جایگاه مشروعیت خاصی برخوردار نبودند، دریافته‌اند که بهترین کار در عملکرد در جهت هدف بقایشان، تساهل و مدارا با فرقه‌ها و نحله‌های بی‌شماری بود که در اطراف آنان نیز کم نبود (Encyclopedica Iranica, 2003: 363-365).

۳. فعالیت‌های هنری و فرهنگی شیعیان در عصر تیموری

۳-۱. دستاوردهای هنری شیعه

پیشرفت هنر و هنرمندان در عصر تیموری می‌تواند دلیل بر تساهل مذهبی این خاندان با سایر مذاهب از جمله شیعیان امامیه به شمار رود. کوشش امرای تیموری در جذب گروه‌های مختلف فکری و اعتقادی در جهت پیشرفت هنری بسیار مؤثر افتاد. در عصر تیمور و اقباش مانند شاهرخ، الغ بیگ، بایسنقر، سلطان حسین بایقرا، هنرهای ظریفه و معماری رونق فراوان یافت. کتاب‌های بسیاری استنساخ، تذهیب و نگارگری شد. آن‌ها در مجامعی که با شرکت ادبا و دانشمندان و هنرمندان و موسیقی‌دانان تشکیل می‌شد، شرکت می‌کردند. این‌گونه امور جز در سایه تساهل و مدارای مذهبی محقق نمی‌شد. در این باره می‌توان گفت: «با جمع‌آوری هنرمندان و صنعت‌گران در سمرقند و بخارا و هرات و خراسان و فارس مرکزیت هنری برجسته‌ای را به وجود آوردند» (حیبی، ۱۳۵۵: ۳۲).

در دوره تیموریان شیعیان ایران در علوم و معارف و هنر و معماری، اقتصاد و بازرگانی و سیاست و تاریخ‌نگاری، حکمت و ریاضیات، نجوم و ستاره‌شناسی و ادبیات نقش بسیار داشتند و به پیشرفت علوم کمک شایانی کردند.

استفاده از گروه‌های مختلف در جذب دانشمندان و هنرمندان این عصر شایان توجه است به نحوی که در امر معماری و ساخت بناهای مختلف در این دوره از معماران با نژادها و عقاید گوناگون سود برده می‌شد که خود حکایت از دیدگاه تساهل در امیران تیموری دارد، با این وجود از این گروه‌ها تنها بخشی اندک شیعه و یا باگرایش‌های شیعی بودند. مسجد گوهرشاد توسط قوام‌الدین

شیرازی و مدرسه خرگرد توسط غیاث‌الدین شیرازی ساخته شد. مراقدی هم‌چون شاه چراغ در شیراز در این عهد به دست حاکمان محلی توسعه یافت و دارای آثار ارزشمند هنری گشت. به دنبال هم‌گرایی بیشتر با تفکرات شیعی در عصر تیموری، می‌توان این سرزندگی و شادابی را در نقاشی‌ها و تدوین چندین شاهنامه مانند شاهنامه بایسنقری دید.

امیر علیشیر نوایی را امیرکبیر دوره تیموری نامیده‌اند. به گفته مرحوم صفا در عهد این وزیر عالی‌مقام علم و هنر به بالاترین سطوح رسید و همین امر راه را برای دولت شیعی صفوی هموار کرد (صفا، ۱۳۷۸: ۴/۱۰). در این دوره بر حجم نقاشی‌ها و تصویرنگاری با مضامین ائمه شیعه افزوده شد مانند نشان دادن جنگ‌های علی علیه السلام در خیبر (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۷۷). هنر داستان‌سرایی نیز در پرتو تفکرات شیعی نوشته می‌شد مانند روایت‌های جنگ‌های علی علیه السلام و شجاعت‌های ایشان زمانی که در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بودند (همان: ۷۷) همان‌گونه که می‌دانیم بر پا داشتن رصدخانه‌ها و توجه به علوم عقلی در این دوران از علایق شیعیان بود و در این راستا زیج الغ بیگ در سمرقند به سال ۸۳۲ هجری افتتاح گشت هر چند مورد مخالفت برخی از اهل سنت بود.

۲-۳. نگارش‌های شیعی در عهد تیموری

نگارش‌های عهد تیموری در همراهی با اصل تسامح مذهبی این سلسله، حال و هوایی خاص داشته است، به نحوی که بسیاری از اعتقادات این دسته نویسندگان در کنار تصوف و تشیع توأمان مطرح می‌گردید. با این وجود باید به خاطر داشته باشیم در این عهد یکی از آسیب‌های پیش‌آمده در بُعد اعتقادی رواج برخی اندیشه‌ها توسط افراد سودجو بود. در عهد تیموریان عقیده مهدویت در شکل‌های مختلف ظاهر گردید و از طرف دیگر استفاده از علوم غریبه و سحر و جادو نیز بسیار شد. سودجویان با سوءاستفاده از فضای آزاد پیش‌آمده توسط تیموریان و سوءاستفاده از احساسات مذهبی مردم، امور خرافی و بی‌اساسی را در ابعاد مختلف، حتی سیره ائمه شیعه علیهم السلام، رواج دادند.

با این وجود، فعالیت‌های فرهنگی شیعیان و آثار علمی بسیاری که به نگارش درآمد تا حدودی هر چند نه قابل توجه، توانست به مقابله با این خرافات برخیزد. من لایحضره الفقیه شیخ صدوق، روضة الاحباب عطاء‌الدین فضل‌الله جمال‌الحسنی، شواهد النبوة جامی از این نمونه‌ها است. با وجود آن که مؤلفان کتاب‌های قرن‌های نهم و دهم هجری سنی مذهب بودند، ولی ارادتی تام به چهارده معصوم داشتند؛ مانند فتوح‌الحرمین اثر منظوم محیی لاری در قرن ده هجری، فصل الخطاب اثر

خواجه محمد پارسا در قرن ۹ هجری. در اواخر دوره تیموریان و در زمان سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمندش امیر علیشیر نوایی که مذهب شیعی داشت، آثار بسیاری به منصف ظهور رسیدند. سلطان حسین و وزیرش دارای طبعی ملایم و دارای حسن شفقت و عطف بودند. در بار این سلطان تیموری عده زیادی از شاعران و مورخان و نویسندگان حضور داشتند (واصفی، ۱۳۴۹: ۱۶۳/۲). در دوره تیموری ابراز احساسات طبقات مختلف مردم در عرصه‌های متفاوت اعم از نوشتاری و غیره بسیار نمایان شد. گاهی این نگارش‌ها از درک عمیق و تعقلی شیعه نیز خالی است. چنان‌که واعظ کاشفی در قرن نهم هجری با نوشتن کتاب *روضه‌الشهدا* مطالبی مطابق با اسطوره‌ها و حکایات گاه بی‌اساس و مبالغه‌آمیز را نمایان ساخت. ساختار برخی از نگارش‌های ادبی و عرفانی و تاریخی گاه سست و کم‌مایه بود. با این حال بسیاری از نگارش‌ها بر اساس احساسات و تفکرات لایه‌های مختلف مردم شکل می‌گرفت. برخی افراطی‌گری‌های شیعی در دوره تیموری شکل گرفت و در دوره‌های بعد به اوج خود رسید. در عصر تیموری برخی خرافات و افسانه‌ها و افراطی‌گری‌ها به چشم می‌خورد. رسوخ برخی از این اعتقادات هم در میان تشیع و هم در میان اهل تسنن به چشم می‌خورد. احترام فراوان و پیروی محض از مشایخ تصوف بدون هیچ پشتوانه عقلانی در شیوع اوهام و عقاید باطل و مبالغه در اشتغال ذهن به مسایل دینی و مذهبی مؤثر بود (صفا، ۱۳۷۸: ۴/۴۳). بسیاری از نگارش‌های عهد تیموری توأم با کنایه و اشارت بود و در پاره‌ای از این نگارش‌ها آن چنان خرافه رسوخ کرد که تا مدت‌ها از میان نرفت. کتاب‌هایی چون *لوايح القمر* و *واعظ کاشفی* و *اسرار الشهادة* از دربندی - که تا دوره قاجار بسیار خوانده می‌شد - از این جمله هستند. پس از دوره مغول در مراسم عزاداری‌های عاشورایی تحریفات بسیار صورت گرفت و داستان‌های مهیج بیشتری نقل می‌شد تا گریه‌ها بیشتر شود. تعداد کتاب‌هایی که با گرایش‌های شیعی از عهد تیموری بر جا مانده، بسیار است. این دسته کتاب‌ها در این عهد یا دوباره به کتابت و نسخه‌برداری رسید و یا برای نخستین بار به رشته تحریر درآمده است. در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد. *صحیفه‌الرضا* از مرحوم طبرسی (م ۵۴۸) به دست اسماعیل بن عبدالؤمن قاینی در سال (۸۸۱ هـ) تحریر گشت و نسخه خطی آن در آستان قدس رضوی موجود می‌باشد. *اربعینیات* به خط نستعلیق در سال ۸۸۹ هـ بر روی کاغذ الوان در دارالسلطنه هرات به دست مشهدی سلطان علی کتابت شده است. *عیون اخبارالرضا* از ابن بابویه (م ۳۸۱ هـ) در قرن نهم توسط لطف‌الله تونی کتابت گشت. *انوارالجلالیه* در علم کلام در قرن نهم توسط محمدحسین زاهد تحریر گشت. خلاصه رساله‌ای در هشت باب به *مسلك امامیه* در علم کلام در قرن نهم هجری به تحریر درآمده است.

نهایة الاحکام فی معرفة الاحکام تألیف علامه حلی در قرن هفتم توسط یعقوب بن خلیل عاملی در قرن نهم کتابت شد. عماد بن علی جرجانی در قرن نهم کتاب تحریر الاحکام الشرعیه را - که به روش امامیه بود - تحریر کرد. اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه توسط فاضل مقداد در علم کلام و دفاع از عقاید امامیه در قرن نهم هجری نوشته شد. نجات القیامة فی امر الامامة مؤلف آن میثم بحرانی در قرن هفتم بود که در قرن نهم توسط یوسف مثنی کتابت شد. لمعه دمشقیه از شهید اول که در قرن هشتم نگارش شده بود، در قرن نهم دوباره تحریر گشت. تکملة الدروس الشرعیة در قرن نهم هجری توسط جعفر بن احمد محلوس حسنی نگاشته شد.

نگارش شعرهایی با مضامین تشیع در این دوره بسیار زیاد است. قصایدی در مناقب آل رسول ﷺ و ائمه اطهار ﷺ از این گونه می باشند. ابن حسام خوسفی در مدح و منقبت علی ﷺ و حضرت فاطمه ﷺ و امام حسن و امام حسین ﷺ و امام مهدی ﷺ و دیگر ائمه قصایدی دارد. هم چنین شعر خواجه اوحد مستوفی در منقبت امام رضا ﷺ، قصاید شاه نعمت الله ولی، قصاید فغانی لطف الله نیشابوری، کاتبی و حسن سیمی در منقبت امامان شیعه نمونه هایی از این دست می باشند (صفا، ۱۳۷۸: ۵۶/۴). این گونه جریان های ادبی بدون شك در مهیا کردن زمینه برای رسمی شدن تشیع در قرن های بعدی بی تأثیر نبوده است. به طور کلی توجه به شیعه دوازده امامی در اشعار این دوره بسیار زیاد است. (خواند میر، همان: ۴/۴۰۶) امیر علی شیر نوایی خود بر یزید لعن می کرد. زمانی ابو حامد محمد غزالی طوسی، عالم شافعی و مدرس نظامیه بغداد در قرن پنجم فتوایی مبنی بر عدم جواز لعن یزید صادر کرده بود. امیر علی شیر نوایی در پاسخ به غزالی این دو بیت را سرود:

ای که گفתי بر یزید و آل او لعنت مکن زن که شاید حق تعالی کرده باشد رحمتش
آنچه با آل نبی کرد او اگر بخشد خدای هم ببخشد مرا گر کرده باشم لعنتش
(نوایی، ۱۳۵۷)

۴. فرقه های منسوب به تشیع در عهد تیموری

در دوره تیموری تمام کسانی که از بدنه تشیع جدا شده و منشعب گشته اند و هم چنین دوست داران خاندان رسالت در ذیل عنوان تشیع جای می گیرند که در مناطق شرقی ایران پیروان بسیاری داشتند. با ایجاد فضای باز علمی در عهد تیموریان ما شاهد ایجاد گروه ها و فرق و بیان عقاید متفاوت هستیم. حروفیه و نوربخشیه به عنوان جنبش هایی اصیل و ریشه دار، تلفیقی از اندیشه های شیعی و صوفی بودند. این اندیشه در دوره صفویه پرو و بال بیشتری یافت. به طور کلی

فرقه‌های صوفیه در عهد تیموری از فضای باز سیاسی و مذهبی این عهد سود بسیار بردند. در این میان فرقه‌های صوفیه شیعی، با رعایت ظواهر آداب و احکام شرعی دین خود را از شائبه‌های دیگر فرق تصوف دور نگاه داشتند. مطمئناً فعالیت‌های فرق صوفیه شیعی در برپایی و تثبیت مذهب تشیع در ایران عهد صفوی تأثیر بسیار داشته است و این گروه‌ها زمینه را برای این امر مهیا ساختند. خاندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی در این زمان رشد و توسعه یافتند. به‌طور کلی می‌توان گفت پی‌آمد اندیشه باز طبقات اجتماعی تیموریان، طریقت‌های عرفانی بسیار بود. وضعیت اجتماعی مردم به ویژه طبقات پایین جامعه نیز که در فقر به سر می‌بردند، بسیار اثرگذار بود. رهبران معنوی فرقه‌های عرفانی گویی محکمه‌هایی برای دادخواهی و پناه مردم به آنان بودند که در نتیجه به رشد و گسترش آن‌ها کمک می‌کرد. رویمر می‌نویسد: "وضعیتی که در پی هجوم مغول در جهان اسلام به وجود آمد ضمن آن که به کم‌رنگ شدن اختلافات مذهبی فرقه‌های اسلامی منجر گردید، موجب پیدایش نوعی اسلام عامیانه در جهان اسلام شد که از ویژگی‌های بارز آن می‌توان به گسترش طریقت‌های صوفیانه، اعتقاد به معجزات و کرامات و تکریم و تقدس علی علیه السلام اشاره کرد" (رویمر، ۱۳۸۰: ۲۵۴).

از حدود ۷۷۱ تا ۹۱۱ هجری سه فرقه مهم صوفیه شیعه مطرح شدند: نعمت‌اللهیه که از شواهد دال بر تشیع مؤسس این فرقه، تاج ۱۲ ترک، پیش‌گویی ظهور دولت صفویه و سروده‌های او در مدح علی علیه السلام است:

از نور روی اوست که عالم منور است حسنی چنین لطیف چه حاجت به زیور است
پیروان نعمت‌اللهی به دربار تیمور در رفت و آمد بودند و از موقعیت پیش‌آمده بیشترین استفاده را بردند (نوربخش کرمانی، ۱۳۷۷: ۷۴). بزرگان فرقه‌های صوفیه شیعه در این دوران بسیار مورد احترام سلاطین تیموری بودند. بایسنقر میرزا پسر بزرگ شاهرخ به شاه خلیل ارادت و اخلاص فراوانی داشت و در مهمانی‌ها شخصاً طشت و آفتاب‌طلا به دست می‌گرفت تا شاه برهان‌الدین دست خود را بشوید. (اوین، ۱۳۶۱: ۱۹۹/۱) برخی معتقد هستند این اندیشه‌های صوفیانه از زمان افرادی چون حلاج صوفی معروف انتشار یافت. صوفیان با اندیشه تساهل بسیار سازگار بودند. (MardukePiktall, 1927)

شاهرخ و اسلاف او در مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام شرکت می‌کردند و به استماع سخنان سخنورانی معروف مانند شاه نعمت‌الله ولی و قاسم انوار تبریزی می‌نشستند و به عزاداری می‌پرداختند (سنت عزاداری و منقبت خوانی در تاریخ شیعه امامیه، ۱۳۸۴: ۹۵).

حروفیه از گروه هایی بودند که در عصر تیموری شکل گرفتند. شیخ فضل الله بنیان گذار این فرقه بود. وی نظریاتش را بر اساس خواب ها و حالت های ماورایی بیان می کرد تا جایی که به تجلی خدایی نزدیک شد. با این که حروفیه در ایران دوام نیاوردند اما تأثیرات زیادی بر طریقت بکتاشیه آناتولی که از علویان و دارای گرایش های شیعی هستند، گذاشتند و به نوعی در آن جا به حیات خود ادامه دادند. البته باید توجه داشت با تمام این اوصاف، تیموریان در مقابل بدعت های جامعه ی اسلامی نیز ایستادگی می کردند، چنان که شاهرخ توسط گروهی از حروفیه که خود را مهدی موعود می خواندند، ترور شد (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۹۱۵/۴)، هر چند در این راستا چندان موفق نبودند. نوربخشیان در زمان سلاطین تیموری به خصوص دوره شاهرخ و پس از آن توانستند عرفان شیعی را گسترش دهند. سید محمد نوربخش رهبر این فرقه با تبعید به شیراز از سوی شاهرخ به تربیت شاگردانی در این مسیر پرداخت (شیبی، ۱۳۸۰: ۳/۳۱۶). از دوره مغول به بعد ادبیات سوگواری کربلا و نشانه های تشیع در جلسات صوفیان بسیار به چشم می خورد. در این عصر مقتل خوانی های زیادی انجام می شد مانند *مقتل الشهداء* از رازی.

۵. ساخت مزارهای شیعی در عهد تیموری

یکی از جلوه های مدارای سلاطین تیموری با اعتقادات مذهبی در این عصر اجازه برپایی امکان مذهبی و رسیدگی به وضعیت آن ها بوده است. حتی گزارشی مبتنی بر خرابی مزارهای متبرکه شیعه در حملات تیمور به ایران، مانند خرابی قبر حضرت معصومه به قم، نیز در اختیار نداریم. در زمان سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمندش امیر علیشیر نوایی، در حدود شهر بلخ بارگاهی زیبا برای قبر منسوب به علی بن ابی طالب علیه السلام ساخته شد که به نام مزار شریف معروف گشت. حکایت دیدار سلطان حسین بایقرا در پی درخواست سادات ناحیه بلخ از قریه خواجه خیران در حدود بلخ را می توان از گفتار خوند میر به دست آورد (خواندمیر، همان: ۱۷۲/۴)، در پی ساخت بنای مزار شریف روزه روز بر ازدحام محبان اهل بیت علیهم السلام در این منطقه افزوده شد به نحوی که خوند میر گزارش کرده است: "نذورات بسیار به آن جا می آوردند، آن قدر که از کثرت زرو و سیم تعجب عقل به تعجب می افتاد. به تدریج آن مکان بزرگ دارای دکان ها و حمام ها و بازارها و خانه های جدیدی شد و اوقافی برای آن گذاشته شد و مریضان و معلولان را به آن جا می آوردند" (همان: ۱۷۳/۴). سیل مشتاقان زیارت مرقد حضرت علی علیه السلام در مزار شریف تنها خاص شیعیان نبود بلکه اهل سنت نیز با دل و جان به آن مکان می آمدند. این مکان که جلوه ای از تساهل مذهبی تیموریان به شمار

می‌رفت، پایگاهی برای نشر اعتقادات شیعی بود. توجه فراوان سلاطین تیموری به ساخت مراقد و زیارت و دیدار از آن اماکن بسیار بود. از جمله اقدامات شاهرخ در این زمینه تعمیر و بازسازی بقاع متبرکه، کمک برای فریضه ی حج، فرستادن پوشش حرم کعبه، مداومت در زیارت مقابر بزرگان دین و مشایخ تصوف مانند زیارت قبر خواجه عبدالله انصاری در پنجشنبه هر ماه (سمرقندی، همان: ۷۳۹/۲)، الغ بیک، میرزا ابوالقاسم بابر، ابوسعید و شاهرخ بسیار به زیارت مشهد مقدس می‌رفتند. این‌گونه امور در گسترش تشیع در ناحیه افغانستان کنونی بدون تأثیر نبود. امیر علیشیر نوایی، وزیر بایقرا بارها به زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام رفت (خواند میر، همان: ۲۱۵/۴) با توجهات ویژه گوهرشاد خاتون، زوجه شاهرخ تیموری به ساخت و گسترش اماکن زیارتی در گرد بارگاه منور رضوی در مشهد این مضجع شریف در میان سایر زیارت‌گاه‌ها از موقعیتی خاص برخوردار شد. به گفته یکی از محققان اروپایی "دوره تیموریان عصر طلایی مشهد بود چون شاهرخ پس از جلوس به تخت سلطنت چندین بار از این شهر دیدن کرد و احترام خاصی نسبت به آرامگاه امام رضا علیه السلام از خود نشان داد و هدایایی نیز به سادات محلی تقدیم کرد" (تاریخ کمبریج، ۳۰۲). حتی افرادی از خاندان شاهرخ و یالیان او را در حرم رضوی به خاک می‌سپردند. صنیع الملک زحمت گوهرشاد را بسیار ستوده است (سمرقندی، همان: ۲۸۵/۲). این‌گونه اعمال تیموریان در توجه بیشتر مردم به مراقد شریف مؤثر بود. کلاویخو نقل می‌کند صدسال قبل از صفویان بعد از بازگشت از دیدار مشهد مقدس، در راه به هر شهری که می‌رسیدیم مردمی که متوجه این امر می‌شدند، دامن ما را می‌بوسیدند. این امور در حالی رخ می‌داد که ایران هنوز بر مذهب اهل سنت بود (کلاویخو، ۱۳۸۴: ۱۹۳). اهل سنت برای بهبودی امراض خود به امام هشتم پناه می‌بردند. نقل است میرزا علاءالدوله پسر بایسنقر (۵۸۶ هـ ق) که زمانی مورد غضب قرار گرفته و چشمانش را میل کشیده بودند و در نتیجه کم بینا شده بود، به حرم امام رضا علیه السلام پناه برد و شفا یافت (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲: ۵۷۳/۲).

۶. سنیان دوازده امامی با گرایش‌های شیعی

در طی قرن‌های ۷ تا ۱۰ هجری قمری طیف وسیعی از مناطق شرقی ایران از سنیان ۱۲ امامی به شمار می‌رفتند. سلاطین تیموری بسیاری، عناوین و نشانه‌های شیعی را به کار می‌بردند. میرزا ابوالقاسم بابر (۸۵۲-۸۶۱ هـ) روزی با خواص و مقربان نشست به سکه‌ای در دست گرفت و نوشته آن را خواند و گفت که نام دوازده امام است. یکی از حضار گفت: در کدام زمان بوده است؟ میرزا گفت: به نام من است. همان شخص گفت: هر جا شما را نوعی اعتقاد دارند. آن پادشاه

گفت: هرکس هر نوع اعتقاد دارد گو می‌دار، من بر طریق سنت جماعت ثابت هستم و مذهب امام ابوحنیفه دارم (سمرقندی، همان: ۱۱۸/۲)، میرسید علی قاینی در زمان سلطان حسین بایقرا، نام دوازده امام را در خطبه گنجانید. نویسنده حبيب‌السیر درباره نفوذ و مکتب فوق‌العاده این واعظ خراسانی مطالبی را نگاشته است (خواندمیر، همان: ۴/۶۱۵). هم‌اینک نیز سنیان بسیاری از جمله حنفیان برای امامان دوازده‌گانه شیعه و به‌خصوص شرکت در عزاداری‌های محرم احترام قائل هستند. دراویش و پیروان طریقه نقشبندیه در شبه جزیره بالکان و بوسنی و هرزگوین که مذهب سنی حنفی دارند، در ایام محرم رویه‌های خاصی دارند. آن‌ها راحتی و آسایش خود را کم می‌کنند. آب کم می‌خورند و چای را تلخ می‌نوشند. در روزهای محرم غذای خاصی به نام عاشورا به نیت شهدای کربلا پخش می‌کنند. روز عاشورا در تکایا سیاه‌پوش می‌شوند و با عمامه یا کلاه‌ی قرمز به یاد خون شهدای کربلا حاضر شده و عزاداری می‌کنند (به نقل از سایت شبکه اطلاع‌رسانی دانا در ۲۵ آبان ۱۳۹۲، www.dana.ir).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

در واقع دورهٔ تیموری را می‌توان دورهٔ انتقال نامید، به این معنا که شرایط مذهبی در ایران گرایش‌های مختلفی از سنی‌گری تا شیعه به خصوص شیعهٔ دوازده امامی را نشان می‌دهد. این تحول از قرن هفتم هجری یعنی از هجوم مغولان آغاز شده بود. تحولات و تغییرات صورت گرفته در دو وجه مثبت و منفی امتداد یافت. از مهم‌ترین تغییرات مذهبی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ازدیاد گروه‌های اعتقادی صوفیه و اهل طریقت، گسترش بحث زیارت و اعتقاد به معجزات و کرامات، افزایش مریدان ائمهٔ شیعه علیهم‌السلام تا حد پرستش، پرستش اولیاءالله و حتی پرستش برخی از منسوبین به اهل بیت علیهم‌السلام. بسیاری از طریقت‌های مختلف در دورهٔ تیموریان خود را به شیعه منتسب می‌نمودند. هر چند در اصل و واقعیت این‌گونه افکار قابل انطباق با اصول واقعی شیعه نبود.

در دورهٔ تیموریان با وجود جو آزادمنشانه‌ای که وجود داشت برخی از نیروها و دنباله‌روان گروه‌های پیش از آن، هم‌چنان به فعالیت خود ادامه می‌دادند مانند آل مشعشع خوزستان، سرداران سبزواری، سادات مرعشی در شمال ایران و باقی گروه‌ها که در این بین صفویان قدرتمندترین آن‌ها به شمار می‌رفت و در نهایت موفق به تشکیل دولت صفوی گشت.

قدرت پادشاهان تیموری به جلب حمایت و خشنودی مسلمانان بستگی فراوان داشت و از صفویان و تشیع در این راه بهره‌ها بردند. سیاست دینی تیموریان بعدها در ایران عهد صفوی و توسط زمامداران صفوی به شدت دنبال شد و به اقتدار آنان انجامید. بدون شك تأثیر اندیشه‌های صوفیانه در تسامح و تساهل مذهبی عهد تیموری تأثیری فراوان داشته است. برخی اعتقاد دارند این اندیشه‌های صوفیانه از زمان افرادی چون حلاج صوفی معروف انتشار یافت. بسیاری از صوفیان با اندیشهٔ شیعی‌گری پیش آمده در دورهٔ تیموریان سازگار بودند و در نتیجه پر و بال بیشتری یافتند، به نحوی که گاه از مبانی شرع مقدس نیز فاصله می‌گرفتند.

ساخت اماکن و مراکز مذهبی شیعه چون مزار شریف و مرقد امام رضا علیهم‌السلام و مزارهای بی‌شماری که برای سادات و امامزادگان ساخته شد، خود از جلوه‌های تساهل مذهبی تیموریان به شمار می‌رود، زیرا این اماکن از مراکز تجمع و بسط اندیشه‌های شیعی گردید. تیمور بر خلاف چنگیز یک مسلمان متعصب به شمار می‌رفت. او بیشتر پروردهٔ یک جامعهٔ اسلامی و ایرانی شده بود و برخی از وحشیانه‌ترین ضربات خویش را به فرمانروایی‌های مغولی اروپا- آسیایی وارد آورد. اما در ارتباط با شیعیان مدارای بیشتری از خود نشان داد.

در دورهٔ تیموریان بر حجم نگارش‌های مربوط به دورهٔ ائمه علیهم‌السلام افزوده گشت. و در مقایسه با دورهٔ



صفویه تا حدود زیادی در ضبط آن‌ها دقت اعمال می‌گشت. تشدید روابط فرهنگی و علمی و مهاجرت‌های علما از سایر مناطق به ایران در این امر مؤثر بود. تشیع در ایران تا پیش از قرن هشتم به‌طور عمده بر پایه‌ی اسماعیلیه و سپس زیدیه استوار بود که از این زمان به بعد به شیعه‌ی امامیه رویکردی سعودی یافت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست مراجع

۱. اشیپولر، برتولد؛ ۱۳۷۴، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه: محمود میرآفتاب، چاپ پنجم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان؛ ۱۳۶۲، *مطلع الشمس*، بی جا: نشر یساولی.
۳. اوین، ژان؛ ۱۳۶۱، *مجموعه ترجمه احوال شاه نعمت الله ولی*، تهران: کتابخانه طهوری.
۴. باخرزی، عبدالواسع؛ ۱۳۷۱، *مقامات جامی*، تصحیح: نجیب مایل هروی، تهران: نشر نی.
۵. بطروشفسکی، ایلیا پاولویچ؛ ۱۳۵۴، *اسلام در ایران*، ترجمه کریم کشاورز، چاپ چهارم، تهران: پیام.
۶. دانشگاه کمبریج؛ ۱۳۷۹، *تاریخ ایران دوره تیموریان به روایت کمبریج*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات جامی.
۷. تربتی، ابوطالب حسینی؛ ۱۳۴۲، *تذکرات تیموری*، تهران: کتاب فروشی اسلامی.
۸. ترکمنی آذر، پروین؛ ۱۳۸۳، *تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران*، تهران: مؤسسه شیعه شناسی.
۹. جعفریان، رسول؛ ۱۳۸۰، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری*، چاپ سوم، قم: انتشارات انصاریان.
۱۰. حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله؛ ۱۳۷۲، *زبده التواریخ*، تهران: نشر نی.
۱۱. حبیبی، عبدالحی؛ ۱۳۵۵، *هنر در عهد تیموریان*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۲. خراسانی، محمد هاشم؛ بی تا، *منتخب التواریخ*، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
۱۳. خواند میر؛ ۱۳۶۲، *حبیب السیر فی اخبار افراد البشیر*، چاپ سوم، تهران: کتاب فروشی خیام.
۱۴. رحمانی ولوی، مهدی؛ ۱۳۸۳، *تاریخ علمای بلخ*، مشهد: نشر بنیاد پژوهش های اسلامی.
۱۵. رویمر، هانس رورت؛ ۱۳۸۰، *ایران در راه عصر جدید*، ترجمه: آذر آهنچی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. زمجی اسفزاری، معین الدین؛ ۱۳۳۸، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تصحیح: سید محمد کاظم امام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. سمرقندی، عبدالرزاق؛ ۱۳۵۳، *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: کتابخانه طهوری.
۱۸. مؤسسه شیعه شناسی؛ ۱۳۸۴، *سنت عزاداری و منقبت خوانی در تاریخ شیعه امامیه*، قم: مؤسسه شیعه شناسی.
۱۹. شامی، نظام الدین؛ ۱۳۶۳، *ظفرنامه*، به کوشش: محمد احمد پناهی، تهران: نشر بامداد.



۲۰. شایسته فر، مهناز؛ ۱۳۸۴، *عناصر شیعی در نگارگری و کتیبه‌نگاری تیموریان و صفویان*، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی.
۲۱. شوشتری، نورالله؛ ۱۳۵۷، *مجالس المؤمنین*، تهران: اسلامیه.
۲۲. شیعی، مصطفی کامل؛ ۱۳۸۰، *تشیع و تصوف*، ترجمه: ذکاوتی قراقزلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۳. صفا، ذبیح‌الله؛ ۱۳۷۸، *تاریخ ادبیات در ایران*، چاپ دهم، تهران: انتشارات فردوس.
۲۴. صفی، فخرالدین؛ ۱۳۳۶، *لطائف الطوائف*، به اهتمام: گلچین معانی، بی‌جا: انتشارات اقبال.
۲۵. طبری، محمدبن جریر؛ ۱۳۶۲، *تاریخ الرسل والملوک*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران: انتشارات اساطیر.
۲۶. عاملی، محمدبن الحسن الحر؛ ۱۴۱۴، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۲۷. *کلاویچو*، گونسالس؛ ۱۳۸۴، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. مظفری، محمدحسین؛ بی‌تا، *تاریخ الشیعه*، قم: منشورات مکتبه البصیرتی.
۲۹. میرجعفری، حسین؛ ۱۳۸۱، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان*، چاپ سوم، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۳۰. ناصری داوودی، عبدالمجید؛ ۱۳۷۸، *تشیع در خراسان عهد تیموریان*، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۱. نوایی، امیرعلیشیر؛ ۱۳۵۷، *دیوان شعر*، به اهتمام: دکتر همایون فرخ، تهران: اساطیر.
۳۲. نوربخش کرمانی، جواد؛ ۱۳۷۷، *زندگانی و آثار جناب شاه نعمت‌الله ولی*، تهران: انتشارات خانقاه نعمت‌اللهی.
۳۳. واصفی، زین‌الدین محمود؛ ۱۳۴۹، *بدایع الوقایع*، تصحیح: الکساندر بلدروف، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳۴. یزدی، شرف‌الدین علی؛ ۱۳۳۶، *ظفرنامه*، تهران: چاپ محمد عباسی.

35. Forbes Manz, Beatrice, 1983, **Power, Politics and Religion in Timurid Iran**, Cambridge university press, published by Christos: 208. Encyclopedia Iranica, 2003, v. Timurid Period, vol. xII .pp 365– 363
36. Marduke Piktall, Muhammad ,1927, **Tolerance In Islam**, Abridgeged , version of the 1927 lecture.
37. www.dana.ir